

بررسی و تعیین شاخص‌های توسعه انسانی-آموزش در استان‌های کشور (در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸)

رضا زینل‌زاده^۱

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

صمد برزویان

دانشجوی دکتری تخصصی اقتصاد آموزش، دانشگاه بمبئی

علیرضا قجری

عضو هیئت علمی گروه مهندسی صنایع، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

چکیده

مطالعه و بررسی وضعیت توسعه انسانی، به ویژه در سطح استان‌های کشور در یک فاصله زمانی «بیش از یک دهه» از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌بایست در عصر دانش و فناوری اطلاعات، اقتصاد دانش بنیان برنامه پنجم توسعه کشور در مسیر تحقق اهداف سند چشم انداز کشور انجام پذیرد. پژوهش حاضر با توجه به این مهم، انجام گرفته است. در این مقاله ضمن معرفی شاخص‌های سه گانه مستقیم، غیرمستقیم و مالی برای رفع انتقادهای وارده به روش شاخص توسعه انسانی در ترکیب شاخص‌ها، از تلفیق روش‌های آماری چند متغیره استفاده شده است. لذا ۱۶۱ شاخص در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۸ به کمک تکنیک‌های تاکسونومی عددی و تجزیه به مولفه‌های اصلی با هم تلفیق شده و در نهایت ضریب توسعه نیافتگی هر یک از استان‌ها، در مقایسه با سایر استان‌ها محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد که در متوسط ضریب عدم برخورداری بین استان‌ها حدود ۲۲/۲ درصد بهبود به وجود آمده است، اما شدت نابرابری بین آن‌ها افزایش یافته است. هم در سال ۱۳۷۵ و هم در سال ۱۳۸۸ از نظر ترکیب شاخص‌های اصلی توسعه انسانی، استان تهران در رتبه اول و استان سیستان و بلوچستان در رتبه آخر قرار دارند.

واژگان کلیدی: شاخص توسعه انسانی، توسعه و تکنیک تاکسونومی عددی.

۱- مقدمه

مفهوم توسعه و توسعه یافتگی، تقریباً از نیمه دوم قرن بیستم در جهان مطرح شد. رشد اقتصادی یا افزایش متغیرهای کمی اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و سرانه درآمد ملی در آغاز نشانه توسعه و پیشرفت به شمار می‌رفت، اما با ایجاد شکاف بین کشورهای غنی و سایر کشورهای جهان، درآمد سرانه به عنوان تنها عامل مؤثر در توسعه و تبیین کننده شاخص اندازه‌گیری توسعه یافتگی مورد تردید واقع شد و چگونگی توزیع منافع حاصل از رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر و نابرابری و بیکاری از شاخص‌های مهمی هستند که همراه با رشد و توسعه و افزایش تولید ناخالص ملی، مورد توجه قرار گرفتند. زیرا افزایش تولید ناخالص ملی یا درآمد ملی یک کشور، اگر منجر به افزایش فقر، بیکاری و نابرابری در توزیع و دسترسی به امکانات گردد، قطعاً توسعه به مفهوم واقعی در آن کشور، تحقق نیافته است.

از سوی دیگر زمانی که بشر و جوامع انسانی در مراحل آغازین توسعه قرار داشتند، منابع طبیعی و زمین مساعد، نقش اساسی در توسعه و سازندگی ایفا می‌کرد و میزان پیشرفت کشورها وابسته به سطح برخورداری از منابع طبیعی بود. سپس احداث طرح‌های بزرگ اقتصادی و توسعه، سرمایه فیزیکی و تجهیزات، عامل اصلی رشد و توسعه کشورها را تشکیل می‌داد. در صورتی که امروزه صاحب‌نظران، برنامه‌ریزان و اندیشمندان جهان معتقدند که انسان محور توسعه است و توسعه انسانی مهم‌ترین نقش و جایگاه را در توسعه متعادل و پایدار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... بر عهده دارد. با توجه به نقش و محور قرار گرفتن توسعه انسانی در برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت توسعه کشورها از یک سو و ناتوانی شاخص‌هایی چون سرانه درآمد ملی و رشد تولید ناخالص در تبیین و اندازه‌گیری میزان توسعه کشورها، از سویی دیگر، سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ شیوه جدیدی برای اندازه‌گیری توسعه کشورهای مختلف و مقایسه آن‌ها با یکدیگر انتخاب نمود. این روش منجر به معرفی و محاسبه شاخص جدیدی تحت عنوان شاخص توسعه انسانی^۲ گردید.

براین اساس هدف اصلی و کلی این مقاله، بررسی و تعیین جایگاه استان‌ها از نظر شاخص توسعه انسانی است. با توجه به قرار داشتن کشور در شرایط در حال گذار و تاثیر توسعه انسانی در تحقق آرمان‌ها و اهداف چشم انداز، به ویژه دستیابی به اهداف برنامه پنجم توسعه شناخت و بررسی وضعیت استان‌ها از نظر شاخص‌های توسعه انسانی نخستین گام در جهت اجرای عدالت اجتماعی و تحقق اهداف اقتصاد دانش بنیان در سطح کشور و استان‌ها می‌باشد.

در این مقاله وضعیت استان‌های کشور از نظر شاخص توسعه انسانی در بعد آموزش در دو مقطع زمانی ۱۳۸۸ و ۱۳۷۵ مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است تا به کمک آن نقاط قوت و ضعف برنامه‌های گذشته و موجود شناسایی و در جهت تقویت روش‌های کارآمد به منظور تبیین نقش آموزش

² Human Development Index (HDI)

و توسعه انسانی در تعادل بخشی و تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه و سند چشم‌انداز بیست ساله کشور خصوصاً در بخش استانی و منطقه‌ای تلاش شود.

با توجه به این مهم ترکیب بسیاری از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و... در سه گروه شامل: شاخص‌هایی که به طور غیرمستقیم در ایجاد و توسعه سرمایه انسانی نقش دارند، شاخص‌هایی که بیان‌کننده وضعیت منابع مالی اختصاص یافته به بخش آموزش از سوی خانوارها و دولت هستند و در نهایت شاخص‌هایی که مستقیماً بر توسعه انسانی استان‌های کشور تاثیر گذار خواهند بود تقسیم بندی شده اند.

بر اساس این تقسیم بندی وضعیت هر یک از استان‌ها در دو مقطع زمانی ۱۳۸۸ و ۱۳۷۵ با استفاده از روش‌های علمی تجزیه به مؤلفه‌های اصلی، تاکسونومی عددی و محاسبه ضرایب برخورداری یا عدم برخورداری و رتبه محرومیت یا توسعه یافتگی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بنابراین در این مقاله سعی شده است به سوالات زیر پاسخ مناسب بر اساس چارچوب‌های علمی برای پرسش‌هایی که در پی می‌آید ارائه شود:

۱- در طی سال‌های مورد بررسی، وضعیت شاخص توسعه انسانی چگونه است؟ ۲- شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه انسانی استان‌ها کدامند؟ ۳- الگوی نظری ترکیب شاخص‌های معرفی شده چیست؟ ۴- آیا استان‌های محروم، وضعیت بهتری در طی سال‌های مورد بررسی کسب نموده‌اند؟ ۵- درجه ناهمگنی بین استان‌ها در فاصله زمانی مورد نظر چگونه است؟ ۶- کدام استان‌ها بیشترین تغییر را در وضعیت توسعه انسانی داشته‌اند؟ ۷- دامنه تغییرات شاخص توسعه انسانی بین استان‌ها در فاصله زمانی مورد بررسی، کاهش یافته است؟

براین اساس در بخش دوم مقاله ادبیات موضوع، در بخش سوم معرفی شاخص‌ها و روش مطالعه، در بخش چهارم محاسبه و تحلیل و در بخش پنجم نتیجه‌گیری تبیین می‌شود.

۲- ادبیات موضوع (توسعه و شاخص‌های توسعه انسانی)

در ابتدای پیدایش نظریه توسعه اقتصادی مفاهیم توسعه و رشد به طور یکسان مطرح بود، زیرا عامل اصلی عقب ماندگی یا توسعه نیافتگی کشورها را عدم رشد اقتصادی معرفی می‌نمودند. اما با گذشت زمان و افزایش فاصله بین کشورهای غنی و فقیر و توسعه نیافتگی کشورها، حتی با وجود رشد اقتصادی بالا و درآمد سرانه بیشتر و افزایش تعداد افراد فقیر، ناتوانی تعریف توسعه و رشد که معادل یکدیگر به کار گرفته می‌شدند آشکار گشت و اندیشمندان و صاحب‌نظران بر آن شدند تا تعریف جامع دیگری را از توسعه ارائه نمایند. از این روی بود که رشد را متغیر کمی و یک بعدی معرفی نمودند و توسعه را متغیر کیفی و چند بعدی و حتی رشد اقتصادی را شرط لازم تحقق توسعه می‌دانستند. بر اساس تعاریف جدید که در ادامه خواهد آمد، دانشمندان این حوزه اعتقاد داشتند که بر خلاف رشد اقتصادی که پدیده‌ای کاملاً کمی است، توسعه چون به انسان وابستگی دارد، پدیده‌ای کیفی است و ابعاد مختلف زندگی انسان را در بر می‌گیرد.

بر همین اساس در تعاریف جدید توسعه، عوامل اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی و همچنین شاخص‌هایی همچون: کاهش فقر، نابرابری، بیکاری و غیره را در نظر می‌گیرند (سازمان ملل، ۲۰۰۴). توسعه، مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی افراد و گروه‌های اجتماعی داخل سیستم (جامعه) و تعدیل وضعیت نامطلوب گذشته به سوی وضع مطلوب از نظر مادی و معنوی است (عبدللهی، ۱۳۷۳).

باگسترش زمان و ناکارآمدی تعاریف توسعه در تبیین وضع موجود کشورها، صاحب‌نظران و مؤسسات بین‌المللی با مطالعه ابعاد مختلف وضعیت کشورها تعاریف جدیدی مطرح نمودند که محور تمام ابعاد مطرح شده در این تعاریف «انسان» است. توجه به ابعاد انسانی توسعه باعث شد که سازمان ملل از سال ۱۹۹۰ شیوه جدیدی برای اندازه‌گیری توسعه ارائه کند که همان شاخص توسعه انسانی است. به عبارت دیگر شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی کشورها از شاخص‌هایی نظیر: درآمد سرانه، برابری قدرت خرید، درآمد پایدار، شاخص‌های ترکیبی به شاخص توسعه انسانی تغییر یافت.

در سال ۱۹۹۰ برنامه توسعه سازمان ملل^۳ شاخص توسعه انسانی را بر اساس نماگرهای کیفیت فیزیکی زندگی معرفی کرد. این شاخص در واکنش به عدم استقبال از شاخص‌های ترکیب اجتماعی به وجود آمد.

علاوه بر موارد یاد شده که بیشتر برای اندازه‌گیری میزان توسعه یافتگی یا درجه توسعه نیافتگی کشورها مطرح بود، دید توسعه قابلیت‌های انسانی نیز مطرح گردید. توسعه قابلیت‌های انسانی، رویکردی به توسعه کلی است که ابتدا برای مردم رفاه به ارمغان می‌آورد و افراد بشر را به طور هم زمان به عنوان ابزارها و هدف‌های سیاستگذاری اجتماعی و اقتصادی در نظر می‌گیرد. از سوی دیگر توسعه قابلیت‌های انسانی به طور چشمگیری بر بسیج منابع محلی تأکید می‌ورزد که به مردم مجال گسترش قابلیت‌هایشان را می‌دهد و همچنین بر مشارکت به عنوان عاملی در جهت تغییرات بنیادی، تأکید می‌ورزد.

در تعاریف جدید از توسعه، کانون توجه انسان است. و غفلت در تدوین استراتژی توسعه در قبل و توجه بیش از حد به متغیرهای مربوط به انسان این دیدگاه را شکل داده است. این تغییر رویکرد در توسعه و توجه به انسان و طبیعت تعریف جدیدی را ارائه می‌دهد که به «توسعه پایدار» معروف است. یعنی در این رویکرد علاوه بر اهمیت دادن به متغیرهای کمی اقتصادی به جنبه‌های کیفی (باسل^۴، ۱۹۹۷) زندگی انسان نیز توجه می‌شود.

تقریباً با مطالعه متون مختلف می‌توان گفت جامع‌ترین تعریفی که از توسعه پایدار شده عبارت است از: استفاده بهینه از کلیه منابع برای توسعه نسل امروز با در نظر گرفتن حقوق نسل‌های آینده.

³ United Nation Development Program (UNDP)

⁴ Bossel

بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه که مطالعات گسترده‌ای را انجام داده‌اند، برای توسعه پایدار سه محور اصلی را بیان داشته‌اند: پایداری زیست محیطی «اکولوژیکی»؛ پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی (ولز، ۲۰۰۲؛ فایلو، ۲۰۰۰؛ شرایبرگ، ۲۰۰۲^۵) بر اساس این سه محور و ادبیات موجود اصول فرآیند توسعه پایدار بدین صورت بیان شده است: اصل عدالت بین نسلی، اصل عدالت اجتماعی (عدالت درون نسلی و ریشه کنی فقر)، اصل مسئولیت فرامرزی، اصل وابستگی متقابل انسان و طبیعت، اصل زندگی ملایم در زمین و حفظ تنوع زیستی اصل مشارکت اثر بخش تمام افراد و گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اصل توجه به فرهنگ و دانش بومی، اصل صلح و امنیت، اصل برابری جنسیتی، اصل دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و اطلاعات معتبر.

علاوه بر این اصول، توسعه پایدار در هزاره سوم چنین تعریف شده است: توسعه پایدار توسعه‌ای است که به بقای بشر و رفاه کامل و همه جانبه آن می‌نگرد و با حفظ فرآیندهای پویا و مداوم در توسعه منابع انسانی، منابع طبیعی و نظام سخت افزاری جامعه جهت ایجاد تعامل بین حال و آینده انسان و طبیعت و رفاه بین و درون نسل‌هاست (دسای و همکاران، ۲۰۰۳^۶).

۳- روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه از نوع توصیفی - اسنادی است. بدین صورت که از یک سو قصد توصیف عینی و دقیق واقعیت‌ها را دارد و از سوی دیگر آمار و اطلاعات مورد نیاز آن به کمک منابع آماری و نشریات علمی منتشر شده از سوی مراکز علمی معتبر آماری کشور گردآوری شده است، لذا این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای نیز خواهد بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزارهای EXCEL و SPSS انجام شده است. انتقادهای وارده به شاخص‌های انتخابی برای اندازه‌گیری شاخص توسعه انسانی در بردارنده موارد ذیل است:

۱- سه نماگر به تنهایی نمی‌توانند موقعیت هر استان را به طور کامل نشان دهند. بنابراین نیاز به معرفی شاخص‌های دیگر نیز داریم تا جایگاه واقعی استان‌ها، تا حدودی به صورت قابل اطمینان تعیین گردد.

۲- میانگین ساده سه شاخص معرفی شده، معیار خوبی برای تلفیق شاخص‌ها نخواهد بود.

۳- همبستگی زیاد بین نماگرهای معرفی شده در اندازه‌گیری توسعه انسانی، سومین انتقادی است که به روش‌های آماری محاسبه شاخص توسعه انسانی وارد می‌باشد.

بنابراین در این پژوهش برای پاسخگویی به انتقادهای وارده به روش شاخص توسعه انسانی، از روش‌های آماری چند متغیره استفاده شده است. این روش‌های آماری، تکنیک‌های آماری هستند که به طور هم زمان داده‌ها را بر روی چندین متغیر تجزیه می‌کنند. در این پژوهش، از روش‌ها یا تکنیک‌های

⁵ Wals, Filho, Shriberg

⁶ Desai and et al

آماري تجزيه به مؤلفه‌های اصلي^۷ و تاکسونومي عددي^۸ به صورت مکمل استفاده شده است. هدف از تجزيه مؤلفه‌های اصلي آن است که واريانس موجود در داده‌های چندمتغيره را به مؤلفه‌هایی تجزيه کند. بدین نحو که اولين مؤلفه تا آنجا که ممکن است علت بیشترین واريانس موجود در داده‌ها باشد. دومين مؤلفه، علت بیشترین واريانس ممکن بعد از مؤلفه اول باشد و همين روال تا پايان تداوم يابد. به علاوه در این روش هر مؤلفه مستقل از مؤلفه‌های ديگر است. يعنی بين هر مؤلفه و مؤلفه‌های ديگر، همبستگی وجود ندارد

از کاربردهای مهم این تکنیک، کاهش حجم داده‌ها در زمانی است که یک همبستگی خطی نسبتاً بالایی بين متغیرها و صفات، وجود داشته باشد (همانند همين پژوهش که شاخص‌های بخش‌های مختلف از همبستگی بالایی برخوردارند) کاهش حجم داده‌ها از طريق انجام تبديلاتی روی داده‌های اصلي صورت می‌گیرد. به گونه‌ای که داده‌های تبديل یافته از یکدیگر مستقل می‌باشند. این داده‌های تبديل یافته که مؤلفه‌های اصلي نامیده می‌شوند و به اختصار آنها را با PC نمایش می‌دهند، به طريقي تنظيم می‌شوند که چند مؤلفه اصلي (PC) اول، تقريباً تمامی تغييرات در متغیرهای اصلي را تعيين می‌کنند.

بنابراین با استفاده از عمليات این روش و نرم افزار SPSS «ضريب مؤلفه‌های اصلي» یا «بار» یا «وزن شاخص‌ها» در قالب یک ماتريس چرخشی، محاسبه خواهد شد. در این ماتريس بار عامل یا «ماتريس ضريب مؤلفه‌های اصلي» بردارها از هم مستقل بوده و حداکثر اطلاعات ماتريس اوليه شاخص‌ها در قالب وزن هریک از شاخص‌ها بر روی مؤلفه‌های اصلي محاسبه می‌گردد و با ضرب ماتريس شاخص‌های اوليه استاندارد شده و ماتريس بار عامل در یکدیگر، ماتريس جدیدی به نام ماتريس نهایی محاسبه خواهد شد. در مرحله بعد به کمک عمليات ریاضی روش تاکسونومي عددي بر روی ماتريس نهایی استخراج شده استان‌ها از نظر شاخص‌های معرفی شده به تفکیک بخش رتبه بندی شده اند.

در ماتريس نهایی پس از انتخاب مقدار ایده آل هر شاخص، فاصله هر استان را از استان ایده آل برای هریک از شاخص‌ها بدست آورده و با Cio نمایش داده می‌شود که از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$C_{io} = \sqrt{\sum (SIN_{ij} - SIN_{oj})^2}$$

SIN oj : حداکثر میزان شاخص استاندارد شده j در استان o

SIN ij : میزان شاخص j در استان i

حال هرچقدر Cio کوچک تر باشد فاصله استان i از استان ایده آل کمتر است و بالعکس. براین اساس می‌توان فاصله کلیه استان‌ها را از نظر شاخص‌های معرفی شده محاسبه نمود و استان‌ها را رتبه بندی کرد.

میزان یا درجه برخورداري از شاخص‌های توسعه انسانی هر استان را در مقایسه کلی و بخشی نیز می‌توان با محاسبه میانگین و انحراف معيار شاخص Cio استان‌ها و از طريق عمليات ذیل اندازه گیری کرد:

⁷ Principal Component analysis

⁸ Numerical Taxonomy

$$\text{Sio} = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (\text{Cio} - \overline{\text{Cio}})^2}{n}} \quad \text{میانگین: } \overline{\text{Cio}} = \frac{\sum_{i=1}^n \text{Cio}}{n} \quad (1) \text{ انحراف معیار:}$$

$$\text{Co} = \overline{\text{Cio}} + 2 * \text{Sio} \quad (2)$$

$$\text{di} = \frac{\text{Cio}}{\text{Co}} \quad (3) \text{ و (2) و (1)}$$

di: اندازه عدم برخورداري استان i از شاخص‌های توسعه انسانی است که بین صفر و یک تغییر می‌کند. $0 < \text{di} < 1$ هر چقدر به صفر نزدیک تر باشد نشانه برخورداري بیشتر از توسعه انسانی می‌باشد. اگر به یک نزدیک باشد علامت عدم برخورداري بیشتر می‌باشد.

جامعه آماری و نمونه آماری در این پژوهش یکسان و عبارت از کل استان‌های کشور است که بر اساس تقسیمات کشوری از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۵ مشخص گردیده اند. (در سال ۱۳۷۰ تعداد استان‌های کشور ۲۴ استان بوده در سال ۱۳۸۲ تعداد استان‌ها به ۲۸ رسیده و در سال ۱۳۸۳ به ۳۰ استان افزایش یافته است).

۴- محاسبه و تجزیه و تحلیل نتایج

با توجه به محدودیت‌های روش اندازه گیری میزان توسعه انسانی کشورها (شاخص توسعه انسانی) از نظر تعداد شاخص‌های محدود (کمتر) و استفاده از میانگین ساده ترکیب سه شاخص: امید به زندگی، آموزش و سرانه تولید ناخالص داخلی، در این تحقیق ابتدا شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و بسیاری دیگر که تبیین کننده وضعیت توسعه انسانی استان‌ها می‌باشند معرفی و در سه گروه مشتمل بر، شاخص‌هایی که غیرمستقیم در ایجاد و توسعه سرمایه انسانی نقش دارند، شاخص‌هایی که بیان کننده وضعیت منابع مالی اختصاص یافته به بخش آموزش و توسعه انسانی از سوی خانوارها و دولت می‌باشند و در نهایت شاخص‌هایی که مستقیماً بر توسعه انسانی استان‌های کشور تاثیر گذار می‌باشند طبقه بندی شده اند. در مرحله دوم با استفاده از تکنیک‌های آماری روش تجزیه به مولفه‌های اصلی و روش تاکسونومی عددی این نشانگرها ترکیب و در نهایت ضرایب عدم برخورداري استان‌ها در این سه گروه شاخص در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۸ محاسبه شده است.

۴-۱- وضعیت استان‌های کشور از نظر شاخص‌های تأثیر گذار غیرمستقیم در توسعه انسانی

نتایج این بخش با ترکیب تعداد ۲۳ شاخص^۹ محاسبه شده که می‌توان به برخی از موارد آن بر اساس مندرجات کرد: جدول شماره (۱) اشاره کرد:

^۹ شامل: (بعد خانوار، درصد شهرنشین، تراکم نسبی جمعیت، نسبت مهاجران وارده در ده سال گذشته استان، وضعیت جمعیت ده ساله و بالاتر، جمعیت شاغل، درصد جمعیت شاغل در بخش صنعت و معدن، درصد جمعیت شاغل در بخش آموزش، درصد جمعیت شاغل در بخش بهداشت و درمان، سهم جمعیت شاغل در گروه قانونگذاران و مقامات عالی رتبه، سهم جمعیت شاغل در گروه متخصصان - متوسط رشد جمعیت دهه گذشته - سهم جمعیت ۶۴-۱۵ ساله از کل جمعیت - تعداد کتابخانه‌های عمومی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت استان - تعداد مراکز فرهنگی و هنری به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت استان - نسبت کتابهای موجود کتابخانه‌های عمومی و مراکز فرهنگی به جمعیت استان)

- علی‌رغم افزایش تعداد استان‌های کشور، درجه ناهمگی (شدت دوگانگی) در بین استان‌ها در این فاصله زمانی، حدود ۶ درصد (از ۲۵/۶ درصد به ۲۰ درصد) کاهش یافته است.

- در این فاصله زمانی بر اساس نتایج به دست آمده همواره سمنان رتبه یک برخوردار و استان سیستان و بلوچستان بالاترین رتبه و ضرائب عدم برخوردار را کسب نموده اند. در صورتی که وضعیت ضریب برخوردار استان سمنان حدود ۲۱ درصد کاهش داشته، ضرایب محرومیت استان سیستان و بلوچستان ۳ درصد بهبود داشته است.

- میزان حداقل ضریب عدم برخورداری از ۰/۲۶۴ به ۰/۳۱۸ افزایش یافته است. به عبارت دیگر وضعیت استان برخوردار در این فاصله زمانی، بدتر شده است.

- استان‌هایی که بیشترین بهبود را در ضریب توسعه یافتگی داشته اند عبارتند از: اردبیل با ۲۳ درصد، ایلام با ۲۲ درصد، زنجان با ۲۵ درصد، مازندران و مرکزی با ۱۲ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۱۴ درصد و خوزستان با ۱۰ درصد.

- استان‌هایی که هیچ تغییری در رتبه توسعه یافتگی نداشته اند عبارتند از: یزد (رتبه ۲)، مازندران (رتبه ۸)، گیلان (رتبه ۶)، سیستان و بلوچستان (رتبه ۳۰)، سمنان (رتبه یک)، تهران (رتبه ۳).

- استان‌هایی که بیشترین کاهش یا بهبود در رتبه را داشته اند و جایگاه بهتری در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۷۵ کسب نموده اند به ترتیب زیر قابل معرفی هستند: ۱- استان زنجان که از رتبه ۲۲ در سال ۱۳۷۵ به رتبه ۱۱ در سال ۱۳۸۸ ارتقاء یافته است. ۲- استان اردبیل از رتبه ۲۸ به ۱۷ ارتقاء یافته است. ۳- و استان بوشهر از ۱۷ به ۹ ارتقاء یافته است.

۲-۴- وضعیت استان‌های کشور از نظر ترکیب شاخص‌های منابع مالی اختصاص یافته به بخش

توسعه انسانی

نتایج این بخش با ترکیب تعداد ۲۲ شاخص^{۱۰} محاسبه شده است که می‌توان به برخی موارد آن با استفاده از جدول شماره (۱) اشاره کرد:

در فاصله زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸ به طور متوسط منابع اختصاص یافته از سوی دولت و خانوارها افزایش یافته است به گونه ای که متوسط ضریب عدم تخصیص کل کشور از ۰/۷۷۱۲۵ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۶۰۸۵ در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است به عبارت دیگر حدود ۲۱/۱ درصد میانگین شاخص بهبود یافته است. (میزان متوسط کشور)

^{۱۰} شامل: سرانه ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی، سرانه اعتبارات هزینه ای استان، سرانه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه ای استان، سرانه بودجه هزینه ای جمعیت لازم التعليم، سرانه بودجه هزینه ای جمعیت دانش آموزی دولتی، سرانه بودجه غیرپرسنلی جمعیت لازم التعليم، سرانه اعتبارات سرانه واحدهای آموزشی جمعیت لازم التعليم، سهم هزینه‌های غیرپرسنلی آموزش و پرورش، متوسط هزینه‌های تحصیل و آموزش در هزینه‌های یک خانوار به تفکیک شهری و روستایی، سهم هزینه‌های تحصیل و آموزش در کل هزینه‌های غیرخوراکی یک خانوار به تفکیک شهری و روستایی. متوسط هزینه‌های تفریحات و سرگرمی‌ها و تحصیل و آموزش یک خانوار به تفکیک شهری و روستایی (

- میزان حداقل عدم تخصیص یا ضریب بیشترین اعتباراتی که به استان‌ها تخصیص داده شده است در سال ۱۳۷۵ مربوط به استان سمنان با $0/66002$ بوده است. در حالی که در سال ۱۳۸۸ این رقم در استان مازندران با رقم $0/4037$ حدود $38/8$ درصد بهبود را نشان می‌دهد و این استان رادروضعیت بالاترین استان قرار می‌دهد (میزان حداقل).

- بر خلاف بخش شاخص‌های تأثیرگذار غیرمستقیم در این بخش، شدت دوگانگی بین استان‌های کشور از $10/1$ درصد به حدود 22 درصد افزایش یافته است که اگر به صورت کمی مقایسه شود، بیش از 116 درصد وضعیت نابرابری بین استان‌ها در تخصیص منابع مالی و هزینه متوسط خانوارها، بدتر شده است.

- نکته قابل توجه این است که منابع تخصیص یافته به استان‌های کشور در سال ۱۳۸۸ در مقایسه، نتایج سال ۱۳۷۵، حاکی از بهبود نسبی وضعیت کلیه استان‌های کشور است. به گونه‌ای که فقط استان قم از نظر منابع تخصیص یافته با کاهش رو به رو بوده و ضریب آن از $0/6914$ به $0/8569$ افزایش نشان می‌دهد (یعنی 24 درصد کاهش در ضریب عدم تخصیص)

- استان‌هایی که بیشترین بهبود نسبی در کاهش ضریب عدم تخصیص منابع را داشته یا بیشترین اعتبارات و منابع مالی و هزینه خانوارها را جذب نموده اند عبارتند از: هرمزگان با 48 درصد، یزد با 34 درصد، مازندران با 41 درصد، گیلان با 35 درصد، قزوین با 28 درصد، سمنان با 31 درصد، ایلام با 35 درصد و ...

- استان‌هایی که کمترین منابع به آنها تخصیص داده شده یا درجه عدم تخصیص منابع به آنها در مقایسه سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۸ کمترین تغییر را داشته است عبارتند از: گلستان فقط با یک درصد، سیستان و بلوچستان با 2 درصد، خراسان شمالی با 7 درصد، کرمان با 4 درصد، لرستان با 9 درصد.

۳-۴- وضعیت استان‌های کشور از نظر ترکیب شاخص‌های اصلی توسعه انسانی و آموزش:

نتایج این بخش با ترکیب تعداد 116 شاخص^{۱۱} در سه حوزه آموزش و پرورش، سطح سواد جمعیت 6 ساله و بالاتر و وضعیت تحصیلی نیروی انسانی شاغل محاسبه شده که می‌توان به برخی از موارد آن بر اساس جدول شماره (۱) اشاره کرد:

^{۱۱} شامل: (شاخص‌های میزان باسوادی - نسبت دانشجویان کلیه مؤسسات و دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی به جمعیت استان - نسبت دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی به جمعیت استان درصد باسوادی جمعیت - درصد قبولی دانش آموزان دوره ابتدایی - درصد قبولی دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی - درصد دانش آموزان قبول شده دوره ابتدایی به تفکیک جنسیت، درصد دانش آموزان قبول شده دوره راهنمایی تحصیلی به تفکیک جنسیت، پوشش تحصیلی ویژه سنی جمعیت $10-6$ ساله به تفکیک جنسیت، پوشش تحصیلی ویژه سنی جمعیت $11-13$ ساله به تفکیک جنسیت، پوشش تحصیلی ویژه سنی جمعیت $16-14$ ساله به تفکیک جنسیت، پوشش تحصیلی ویژه سنی جمعیت 17 ساله به تفکیک جنسیت، پوشش تحصیلی ویژه سنی جمعیت $24-18$ ساله به تفکیک جنسیت، نسبت کلاس به دانش آموز، نسبت کارکنان به دانش آموزان، درصد ساختمان‌های دولتی، درصد اتاق‌های دولتی و اتاق‌های درس دولتی، درصد کارکنان لیسانس و بالاتر، میانگین سطح تحصیلات کارکنان آموزش و پرورش - شاخص‌های نیروی انسانی شاغل درصد نیروی انسانی شاغل باسواد به تفکیک بخشهای مختلف براساس طبقه بندی کدهای ISIC - درصد نیروی انسانی شاغل با تحصیلات عالی به تفکیک بخشهای مختلف براساس طبقه بندی کدهای ISIC - میانگین سطح تحصیلات نیروی انسانی شاغل به تفکیک بخشهای مختلف براساس طبقه بندی کدهای ISIC - درصد شاغلان 10 ساله و بیشتر با تحصیلات عالی به تفکیک گروه شغلی بخشهای مختلف - میانگین سطح

- متوسط ضریب عدم برخورداری در سال ۱۳۷۵ حدود ۰/۵۳۷۰ بوده که با ۲۰ درصد بهبود، به ۰/۴۲۸۵ کاهش یافته است.

- میزان حداکثر ضریب عدم برخورداری مربوط به استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. حدود ۸/۶- درصد افزایش در ضریب محرومیت این استان در فاصله زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸ مشاهده می‌شود.

- میزان حداکثر ضریب برخورداری در دو سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸ در این بخش مربوط به استان تهران می‌باشد که حاکی از حدود ۵۱- درصد کاهش است.

- شاخص شدت نابرابری بین استان‌ها در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۹ درصد بوده که با ۲۶ درصد افزایش، در سال ۱۳۸۸ به حدود ۳۷ درصد رسیده است. به عبارت دیگر نابرابری استان‌ها از نظر شاخص‌های توسعه انسانی و آموزش بیشتر شده و فاصله دوگانگی بین استان‌ها، افزایش یافته است.

در کل وضعیت بسیاری از استان‌ها در فاصله زمانی ۸۸-۱۳۷۵ از نظر ترکیب شاخص‌های اصلی توسعه انسانی نشانگر بهبود است.

استان‌هایی که افزایش ضریب عدم برخورداری داشته اند عبارتند از: تهران با ۰/۰۶۹۱، سیستان و بلوچستان با ۰/۰۷۹۳ و گلستان با ۰/۰۹۵۴.

استان‌هایی که بیشترین کاهش را در ضریب عدم برخورداری داشته اند (بهبود وضعیت) عبارتند از: ایلام با ۳۸ درصد، مازندران با ۴۶ درصد، یزد با ۳۵ درصد، کهگیلویه و بویر احمد با ۳۳ درصد، چهارمحال بختیاری با ۳۴ درصد.

۴-۴- وضعیت استان‌های کشور از نظر ترکیب تمامی شاخص‌های انتخابی توسعه انسانی

در این بخش با ترکیب نتایج سه بخش گذشته (ترکیب ۱۶۱ شاخص) وضعیت کلی یا ضریب عدم برخورداری در کل، برای هر یک از استان‌ها محاسبه شده است. بیش از ۱۶۰ شاخص در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۸ به کمک تکنیک‌های تاکسونومی عددی و تجزیه به مولفه‌ها با هم تلفیق شده و در نهایت ضریب توسعه یافتگی هر یک از استان‌ها در مقایسه با سایر استان‌ها محاسبه شده و نتایج آن بر اساس نمودار و جداول و نقشه‌های مقایسه‌ای ترسیم شده است. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۴-۴-۱- مقایسه ضریب عدم برخورداری و رتبه توسعه نیافتگی استان‌ها

- متوسط ضریب عدم برخورداری بین استان‌ها در سال ۱۳۷۵ حدود ۰/۶۱۰۴ بوده که به ۰/۴۷۴۷ کاهش یافته است. بدین ترتیب و حدود ۲۲/۲ درصد بهبود در ضریب متوسط عدم برخورداری استان‌ها مشاهده می‌شود. بر اساس مندرجات (جدول شماره ۱).

- میزان حداکثر ضریب عدم برخورداری یا ضریب توسعه نیافتگی در هر دو مقطع زمانی مربوط به استان سیستان و بلوچستان می‌باشد که فقط حدود ۰/۵ درصد بهبود در وضعیت این را نشان می‌دهد.
 - استان تهران دارای کمترین ضریب توسعه نیافتگی می‌باشد، این استان اگرچه حدود ۱۸/۴ درصد افزایش در ضریب عدم برخورداری داشته، اما همچنان رتبه یک توسعه یافتگی یا ضریب برخورداری از نظر شاخص‌های توسعه انسانی را در اختیار دارد.
 - شدت نابرابری بین استان‌ها در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۵/۵ درصد بوده که در سال ۱۳۸۸ نه تنها کاهش نیافته، بلکه حدود ۱۸/۸ درصد افزایش یافته و به ۳۰/۳ درصد رسیده است.
- در این فاصله زمانی استانی‌هایی که نه تنها بهبود در وضعیت عدم برخورداری آنها مشاهده نمی‌شود، بلکه افزایش در ضریب عدم برخورداری نیز داشته اند عبارتند از: تهران با ۱۸ درصد افزایش در ضریب عدم برخورداری، سیستان و بلوچستان با تقریباً صفر درصد، استان گلستان با ۱۴ درصد. استان‌هایی که در این فاصله زمانی، بیشترین کاهش را در ضریب توسعه نیافتگی داشته اند عبارتند از: مازندران با ۴۱ درصد، یزد و بوشهر با ۳۲ درصد، ایلام با ۳۶ درصد، زنجان با ۳۴ درصد و ...

Archive of SID

جدول شماره (۱) مقایسه ضریب عدم برخورداری و رتبه توسعه یافته استانها از نظر ترکیب شاخصهای انتظامی گروه های سه گانه انتظامی توسعه انسانی در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۸

ردیف	نام استانها	وضعیت مقایسه ای استانها از نظر ترکیب شاخصهای بخش منابع ملی و متوسط هزینه خنثی				وضعیت مقایسه ای استانها از نظر ترکیب شاخصهای تاثیر گذار غیر مستقیم				وضعیت مقایسه ای استانها از نظر ترکیب شاخصهای اصلی توسعه انسانی و آموزش				وضعیت مقایسه ای استانها از نظر ترکیب شاخصهای انتظامی توسعه انسانی			
		رتبه ضریب	رتبه ضریب	میزان تغییر نسبت به ۱۳۷۵	درصد تغییر نسبت به ۱۳۷۵	رتبه ضریب	رتبه ضریب	میزان تغییر نسبت به ۱۳۷۵	درصد تغییر نسبت به ۱۳۷۵	رتبه ضریب	رتبه ضریب	میزان تغییر نسبت به ۱۳۷۵	درصد تغییر نسبت به ۱۳۷۵	رتبه ضریب	رتبه ضریب	میزان تغییر نسبت به ۱۳۷۵	درصد تغییر نسبت به ۱۳۷۵
1	آذربایجان شرقی	۱۵	۱۰	-۰.۱۹۴	۲۴	۲۱	۲۱	۰	۴	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱
2	آذربایجان غربی	۲۱	۲۱	-۰.۲۰۳	۲۳	۲۷	۲۷	۱	۱۰	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
3	اردبیل	۱۴	۱۴	-۰.۱۹۶	۲۵	۱۷	۲۰	-۱	۳۳	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
4	اصفهان	۱۱	۱۱	-۰.۰۴۵	۲۹	۴	-۰.۰۴۵	-۱	-۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
5	ایلام	۱۰	۱۰	-۰.۰۷۴	۳۵	۲۲	-۰.۱۵۸	-۱	۱۱	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
6	بوشهر	۸	۸	-۰.۱۹۹	۲۹	۹	-۰.۱۰۲	-۱	۴۴	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
7	تهران	۶	۶	-۰.۴۱۲	۲۹	۳	-۰.۴۱۲	-	۶۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
8	چهارمحال و بختیاری	۱۲	۱۲	-۰.۰۵۷	۳۱	۱۳	-۰.۲۲۱	۰	۴۱	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
9	خراسان جنوبی	۲۰	۲۰	-۰.۱۲۰	۱۵	۲۰	-۰.۱۲۷	۰	۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
10	خراسان رضوی	۱۸	۱۸	-۰.۱۲۵	۱۷	۲۸	-۰.۳۷۸	۱	۲	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
11	خراسان شمالی	۲۷	۲۷	-۰.۷۳۱	۷	۲۸	-۰.۵۹۳	۱	۱۰	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
12	خوزستان	۲۵	۲۵	-۰.۷۱۸	۱۴	۱۹	-۰.۲۶۰	۱	۱۰	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
13	زنجان	۲۲	۲۲	-۰.۲۸۶	۱۷	۱۱	-۰.۵۴۶	-۱	۲۵	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
14	سمنان	۴	۴	-۰.۴۵۵	۱۳	۱	-۰.۳۱۸	-	۱۴	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
15	سیستان و بلوچستان	۳۰	۳۰	-۰.۹۵۳	۲	۳۰	-۰.۹۵۷	-	۳	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
16	قزوین	۷	۷	-۰.۴۸۰	۳۰	۱۲	-۰.۱۹۱	-	۴۳	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
17	قزوین	۹	۹	-۰.۵۰۱	۲۸	۷	-۰.۵۴۹	۳	۴۳	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
18	قم	۲۹	۲۹	-۰.۸۵۹	۲۴	۱۰	-۰.۵۷۵	-	۵	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
19	کردستان	۲۸	۲۸	-۰.۷۵۹	۳۱	۳۳	-۰.۷۱۷	-	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
20	کرمان	۱۷	۱۷	-۰.۶۴۴	۴	۳۱	-۰.۶۶۰	-	۴	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
21	کرمانشاه	۳۳	۳۳	-۰.۲۸۷	۱۷	۳۷	-۰.۳۵۰	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
22	کوچکدو و بویهر احمد	۱۳	۱۳	-۰.۵۶۷	۱۱	۶۱	-۰.۷۱۸	-	۱۰	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
23	گلستان	۲۶	۲۶	-۰.۷۲۴	۱	۳۱	-۰.۷۲۲	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
24	گیلان	۵	۵	-۰.۴۵۶	۳۵	۶	-۰.۵۰۴	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
25	لرستان	۲۴	۲۴	-۰.۷۱۶	۹	۳۱	-۰.۷۳۲	-	۹	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
26	مازندران	۱	۱	-۰.۴۰۷	۴	۷	-۰.۵۵۳	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
27	مرکزی	۶	۶	-۰.۲۸۴	۱۴	۵	-۰.۵۰۰	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
28	هرمزگان	۲	۲	-۰.۴۱۴	۴۸	۲۵	-۰.۷۳۵	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
29	همدان	۱۹	۱۹	-۰.۲۵۴	۳۲	۱۵	-۰.۲۵۸	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
30	یزد	۳	۳	-۰.۴۴۶	۳۴	۲	-۰.۳۷۹	-	۵	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
	میانگین	۱۳	۱۳	-۰.۱۳۳	۲۱	۱۶	-۰.۲۷۹	-	۲۰	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱
	حداکثر	۳۰	۳۰	-۰.۹۵۳	۲	۳۰	-۰.۹۵۷	-	۳	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
	حداقل	۱	۱	-۰.۴۰۷	۳۹	۱	-۰.۳۱۸	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
	انحراف معیار	۹	۹	-۰.۰۶۶	-۷	۹	-۰.۱۳۱	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
	دست تغییرات	۲۹	۲۹	-۰.۰۲۴	-۶	۲۹	-۰.۲۸۹	-	۱۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
	رتبه نامرتبه‌ای (دست براندازی)	۵۷	۵۷	-۱۱.۸	-۱۱۷	۵۷	-۲۰.۹	-	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱

۲-۴-۴- مقایسه، استانها و گروه بندی چهارگانه بر اساس ضریب عدم برخورداری

بر اساس شاخص متوسط ضریب عدم برخورداری که از ترکیب تمام شاخص‌ها به دست می‌آید استانها در چهار گروه تقسیم شده‌اند. بدین صورت که ابتدا بر اساس میانگین ضریب عدم برخورداری،

استان‌ها به دو گروه تقسیم شده اند: استان‌های برخوردار و محروم. سپس میانگین ضریب عدم برخورداری هر دو گروه از استان‌ها محاسبه شده است که بر اساس میانگین فوق، استان‌های برخوردار به دو گروه نیمه برخوردار و برخوردار تقسیم شده اند و استان‌های محروم به استان‌های محروم و استان‌های محروم تر گروه بندی شده اند. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان به موارد ذیل در چهار گروه تقسیم بندی اشاره نمود:

وضعیت استان‌های برخوردار

با توجه به اینکه استان گلستان در سال ۱۳۷۵ جزو استان مازندران بوده و استان قزوین هم جزو تهران و زنجان بوده، لذا در سال ۱۳۸۸ این دو استان از استان‌های برخوردار حذف شده اند و در گروه‌های دیگر قرار گرفته اند (جداول ۲ و ۳ و نمودار ۱).

استان‌های تهران و سمنان در این دو مقطع زمانی، استان‌هایی هستند که کمترین ضریب عدم برخورداری یا بالاترین سطح توسعه انسانی را در مقایسه با سایر استان‌ها داشته اند. با جدا شدن گلستان از مازندران، استان مازندران به رتبه سوم در سال ۱۳۸۸ ارتقا یافته است. تعداد استان‌های برخوردار از ۷ استان به ۶ استان، تقلیل یافته است. وضعیت عدم برخورداری کلیه استان‌های برخوردار به جز تهران کاهش یافته است. استان‌های برخوردار که در سال ۱۳۸۸ در وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی بهبود داشته اند به ترتیب عبارتند از: تهران، سمنان، مازندران، یزد، اصفهان، فارس و ...

وضعیت استان‌های نیمه برخوردار

در این فاصله زمانی ۲ استان از استان‌های برخوردار و محروم به این گروه اضافه شده اند. یعنی در سال ۱۳۷۵ تعداد ۷ استان نیمه برخوردار محاسبه شد. که در سال ۱۳۸۸ به ۹ استان افزایش یافته است. ایلام و چهار محال و بختیاری از بین استان‌های محروم و استان قزوین از بین استان‌های برخوردار به جمع استان‌های نیمه برخوردار اضافه شده اند.

کلیه استان‌هایی که ضریب عدم برخورداری آنها در سال ۱۳۸۸ بین ۰/۳۷۲۹ و ۰/۴۷۴۷ می‌باشد. به ترتیب عبارتند از: گیلان، ایلام، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، چهار محال بختیاری، مرکزی، قزوین، قم و کرمان

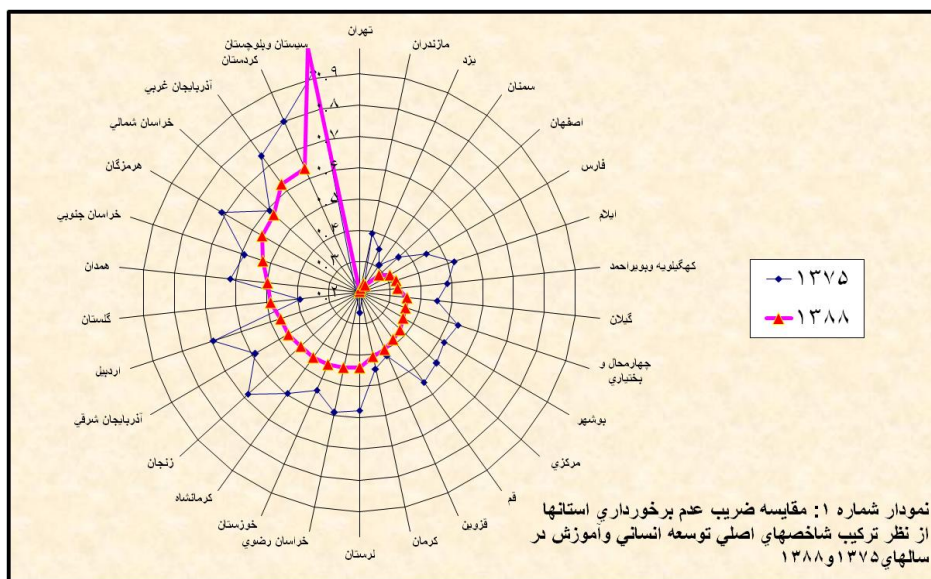
وضعیت استان‌های محروم

ضریب عدم برخورداری استان‌های محروم در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۷۵ کاهش نشان می‌دهد. به گونه ای که با لحاظ نمودن ضریب عدم برخورداری استان‌ها در سال ۱۳۸۸ برای استان‌ها در سال ۱۳۷۵ کلیه استان‌های محروم به استان‌های نیمه برخوردار در سال ۱۳۸۸ تبدیل شده اند. ضریب عدم برخورداری استان‌های محروم در سال ۱۳۷۵ بین ۰/۶۱۰۴ تا ۰/۷۱۸۴ است و این ارقام در سال ۱۳۸۸ (به ۰/۴۷۴۷ و ۰/۵۷۶۴ کاهش یافته است که حاکی از بهبود وضعیت این گروه می‌باشد).

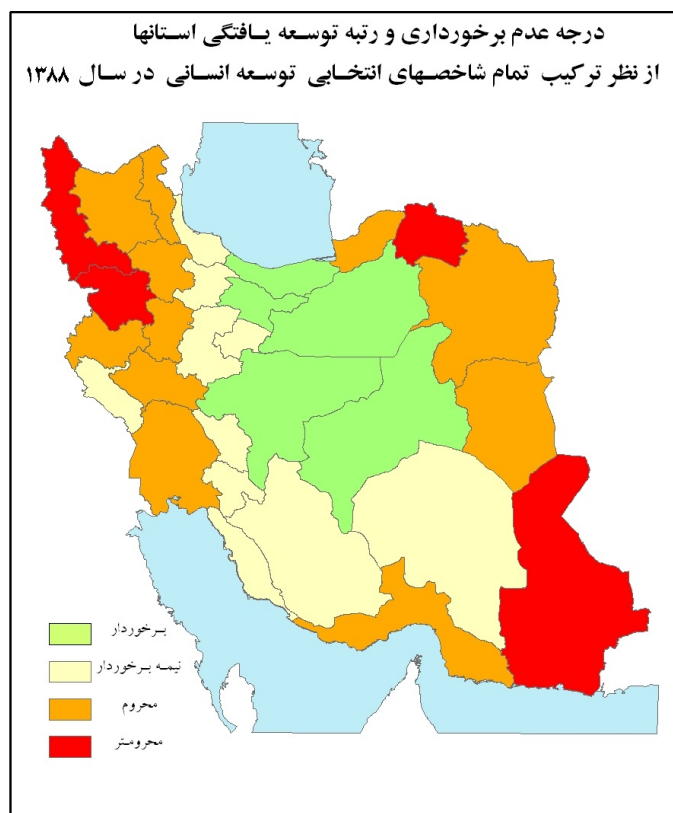
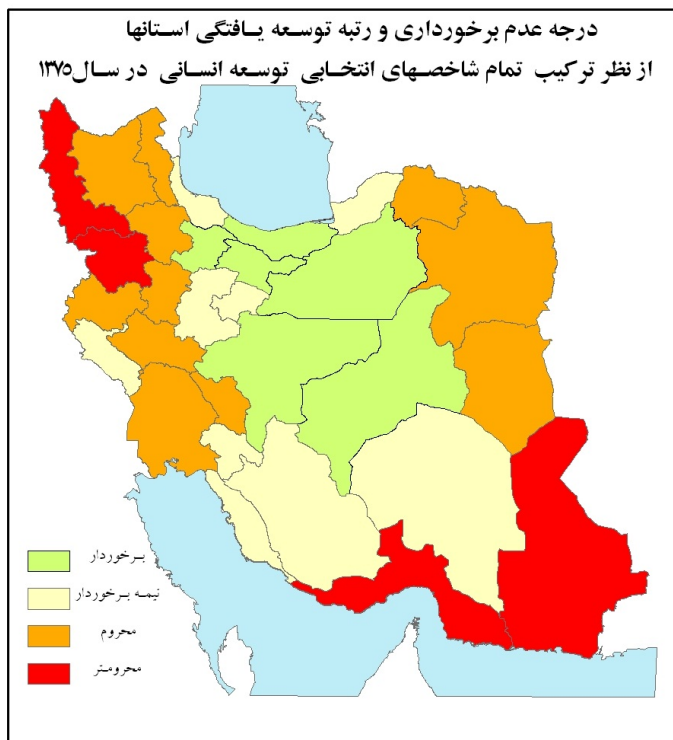
وضعیت استان‌های محروم تر

نکته قابل توجه اینکه در فاصله زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸ وضعیت دو استان بهبود یافته است. به گونه‌ای که که استان‌های زنجان و اردبیل از گروه استان‌های محروم به استان‌های با وضعیت بهتر ارتقا یافته‌اند. استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، خراسان شمالی در سال ۱۳۸۸ جزو استان‌های محروم تر هستند و در ترکیب استان‌های محروم تر تغییر قابل ملاحظه ای دیده نمی‌شود. در سال ۱۳۷۵ تعداد ۶ استان به عنوان استان‌های محروم تر بر اساس ضریب عدم برخورداری محاسبه شده که این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۴ استان تقلیل یافته است.

جدول شماره ۲: درجه عدم برخورداري و رتبه توسعه یافتگی استانها از نظر ترکیب تمام شاخصهای انتخابی توسعه انسانی در سال ۱۳۷۵				جدول شماره ۳: درجه عدم برخورداري و رتبه توسعه یافتگی استانها از نظر ترکیب تمام شاخصهای انتخابی توسعه انسانی در سال ۱۳۸۸			
رتبه توسعه یافتگی	درجه عدم برخورداري	نام استانها	وضعیت استانها	رتبه توسعه یافتگی	درجه عدم برخورداري	نام استانها	وضعیت استانها
1	0.2279	تهران	استانهای برخوردار	1	0.2699	تهران	استانهای برخوردار
2	0.3614	سمنان	استانهای برخوردار	2	0.2703	سمنان	استانهای برخوردار
3	0.4096	یزد	استانهای برخوردار	3	0.2772	مازندران	استانهای برخوردار
4	0.4452	اصفهان	استانهای برخوردار	4	0.2780	یزد	استانهای برخوردار
5	0.4710	مازندران	استانهای برخوردار	5	0.3409	اصفهان	استانهای برخوردار
6	0.4729	قزوین	استانهای برخوردار	6	0.3712	فارس	استانهای برخوردار
7	0.4814	گلستان	استانهای نیمه برخوردار	7	0.3839	گیلان	استانهای نیمه برخوردار
8	0.5122	گیلان	استانهای نیمه برخوردار	8	0.3926	ایلام	استانهای نیمه برخوردار
9	0.5216	فارس	استانهای نیمه برخوردار	9	0.4032	بوشهر	استانهای نیمه برخوردار
10	0.5226	کرمان	استانهای نیمه برخوردار	10	0.4070	مکه‌گلوپه و ویراحمد	استانهای نیمه برخوردار
11	0.5894	بوشهر	استانهای نیمه برخوردار	11	0.4124	چهارمحال و بختیاری	استانهای نیمه برخوردار
12	0.5945	مرکزی	استانهای نیمه برخوردار	12	0.4241	مرکزی	استانهای نیمه برخوردار
13	0.5978	مکه‌گلوپه و ویراحمد	استانهای محروم	13	0.4285	قزوین	استانهای محروم
14	0.6097	قم	استانهای محروم	14	0.4669	قم	استانهای محروم
15	0.6128	ایلام	استانهای محروم	15	0.4677	کرمان	استانهای محروم
16	0.6180	چهارمحال و بختیاری	استانهای محروم	16	0.4942	خراسان رضوی	استانهای محروم
17	0.6270	خوزستان	استانهای محروم	17	0.5003	زنجان	استانهای محروم
18	0.6565	خراسان رضوی	استانهای محروم	18	0.5024	اردبیل	استانهای محروم
19	0.6605	لرستان	استانهای محروم	19	0.5072	آذربایجان شرقی	استانهای محروم
20	0.6607	خراسان شمالی	استانهای محروم	20	0.5078	لرستان	استانهای محروم
21	0.6608	آذربایجان شرقی	استانهای محروم	21	0.5079	کرمشاه	استانهای محروم
22	0.6614	خراسان جنوبی	استانهای محروم	22	0.5094	خوزستان	استانهای محروم
23	0.6734	کرمشاه	استانهای محروم	23	0.5381	همدان	استانهای محروم
24	0.6967	همدان	استانهای محروم	24	0.5465	گلستان	استانهای محروم
25	0.7541	زنجان	استانهای محروم تر	25	0.5607	خراسان جنوبی	استانهای محروم تر
26	0.7661	اردبیل	استانهای محروم تر	26	0.5633	هرمزگان	استانهای محروم تر
27	0.7822	هرمزگان	استانهای محروم تر	27	0.6144	خراسان شمالی	استانهای محروم تر
28	0.8127	آذربایجان غربی	استانهای محروم تر	28	0.6482	آذربایجان غربی	استانهای محروم تر
29	0.8601	کردستان	استانهای محروم تر	29	0.6595	کردستان	استانهای محروم تر
30	0.9920	سیستان و بلوچستان	استانهای محروم تر	30	0.9873	سیستان و بلوچستان	استانهای محروم تر
16	0.6104	متوسط کشور	کلی	16	0.4747	متوسط کشور	کلی
30	0.9920	میزان حداکثر	کلی	30	0.9873	میزان حداکثر	کلی
1	0.2279	میزان حداقل	کلی	1	0.2699	میزان حداقل	کلی
9	0.1558	انحراف معیار	کلی	9	0.1439	انحراف معیار	کلی
29	0.7640	دامنه تغییرات	کلی	29	0.7174	دامنه تغییرات	کلی
57	25.5	درجه ناهمگنی (شدت ناهمگنی)	کلی	57	30.3	درجه ناهمگنی (شدت ناهمگنی)	کلی



Archive of SID



۵- پیشنهادات

مطالعه و بررسی وضعیت توسعه انسانی بویژه در سطح استان‌های کشور در یک فاصله زمانی «سیزده ساله» از مهمترین اقداماتی است که می‌بایست در عصر دانش و فن آوری اطلاعات، اقتصاد دانش بنیان برنامه پنجم توسعه کشور علی‌الخصوص تحقق اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی برقراری توسعه متوازن و پایدار، کاهش فقر و اجرای عدالت، دستیابی به چشم انداز کشور انجام پذیرد با توجه به این مهم این پژوهش صورت پذیرفته است. براساس نتایج این پژوهش پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

- از آنجا که پوشش تحصیلی جمعیت لازم‌التعلیم (۲۴-۶ ساله) یکی از مهمترین شاخصهای اندازه‌گیری توسعه انسانی می‌باشد. لذا تخصیص منابع مالی غیرپرسنلی حداقل در آموزش و پرورش براساس جمعیت لازم‌التعلیم بین استان‌ها صورت پذیرد. تا استانهای محروم با استفاده از روشهای نوین ارائه خدمات آموزشی جمعیت خارج از نظام آموزشی را ثبت نام و در مدارس جذب نمایند.

- با توجه به اهمیت شاخص توسعه انسانی در تحقق چشم انداز و توسعه همگن و پایدار کشور نیاز به محاسبه این شاخص به تفکیک استان‌ها از سوی سازمان‌های مانند مرکز آمار ایران، نهاد ریاست جمهوری و می‌باشد.

- براساس ترکیب تمامی شاخص‌های معرفی شده در سال ۱۳۸۸ کمترین درجه توسعه انسانی به ترتیب ضریب عدم برخورداری مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، لرستان، هرمزگان، گلستان، کردستان و ایلام بوده است. بنابراین لازم است در برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و در تخصیص منابع به این استان‌ها توجه ویژه ای گردد.

- در سال ۱۳۸۸ از سوی دولت و خانوارها به ترتیب به استان‌های سیستان و بلوچستان، قم، کردستان، خراسان شمالی، گلستان و خوزستان در مقایسه سایر استان‌ها کمترین منابع مالی اختصاص یافته است. در برنامه پنجم دانش بنیان کشور براساس شاخص‌های توسعه انسانی به استان‌های فوق توجه ویژه ای صورت پذیرد.

- به ترتیب درجه عدم برخورداری استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، خراسان شمالی، هرمزگان و خراسان جنوبی از نظر ترکیب شاخص‌های اصلی توسعه انسانی و آموزش در سال ۱۳۸۸ این استان‌ها بوده اند. لازم است به این استان‌ها در بخش آموزش بویژه آموزش و پرورش از نظر پوشش تحصیلی و تخصیص بیشتر اعتبارات غیر پرسنلی اقدام گردد.

منابع

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات،
تودارو، مایکل (۱۳۷۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه،

تئودور، شولتز، سرمایه‌گذاری در مردم، آموزش در کشورهای کم درآمد. ترجمه سعید قاسمیان. فصلنامه
و تعلیم و تربیت شماره ۴، ۱۳۶۸

جونز، گرنت (۱۳۷۶). اقتصاد آموزش. ترجمه دکتر مصطفی عمادزاده اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی
اصفهان

رزمی، محمد جواد (بی تا). سیمای توسعه انسانی در هند، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو.
رئوفی، محمود (۱۳۷۴). دانشگاه و توسعه فرهنگی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی،
شماره ۲،

رئیس دانا، فریبرز (۱۳۷۱). کم توسعه گی اقتصادی، اجتماعی. تهران: نشر قطره،
سهیلا، پروین و عضدی (بی تا). سنجش کارایی نسبی برنامه‌های توسعه در ارتقای توسعه انسانی، مجله
برنامه و بودجه شماره ۳۰
عباسی نژاد، حسین (۱۳۸۵). ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران. مجله تحقیقات
اقتصادی، شماره ۱۳۸۵/۷۲

عبداللهی، محمود (۱۳۷۳). جامعه شناسی و توسعه اجتماعی در ایران. فصلنامه رهیافت، شماره ۶،
فکوهی، ناصر (۱۳۸۲). انسان شناسی و توسعه. تهران:

قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۲). اقتصاد رشد و توسعه جلد ۱ و ۲. تهران: نشر نی،
کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۹). نقش آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی فصلنامه پژوهش، پژوهشکده
علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، شماره سوم،

کلمن، دیوید و نیکسون، نورد (۱۳۷۸). اقتصاد شناسی توسعه نیافتگی. ترجمه غلامرضا آزاد. تهران:
انتشارات وثقی،

گریفین، کیت، مک کنلی (بی تا). تحقق استراژی و توسعه منابع انسانی. ترجمه غلامرضا خواجه پور.
تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

محمودی، محمد (۱۳۸۰). بررسی شاخص‌های توسعه استراتژیک در هند، پنجاب، چندیگر
مسجدی، فرخ (۱۳۸۱). سنجش توسعه یافتگی کشورها، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران شماره ۱۰
بهار ۱۳۸۱.

مشایخ، فریده (۱۳۸۲). فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی، گروه مشاوران یونسکو. تهران: انتشارات مدرسه
نوربخش، فرهاد (۱۳۸۲) توسعه انسانی و نابرابری‌های منطقه ای در ایران، الگویی برای سیاستگذاری.

فصلنامه اقتصاد سیاسی، شماره دوم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
نوفرستی، محمد، یوسفی و دیندارلو، مجتبی (بی تا). اندازه گیری برخورداری آموزشی سرمایه انسانی در
ایران

نیلی، مسعود، نفیسی (۱۳۸۴). تخمین سرمایه انسانی بر مبنای متوسط سال‌های تحصیل نیروی کار برای ایران (۱۳۷۹-۱۳۴۵) فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. زمستان ۱۳۸۴.

Bossel, Hartman, Indicators for sustainable development, 1999.

Bhatia, y.k. and Rai.s.c. Evaluation of socio Economics Development in small Areas, Areas, sponsored by planning commission Government India, Newdehli, 2004

Desai, e tal, (2003); Measuring Technology Achievement of nations and the capacity to participate in the network. Age.

<http://www.Statistics.Gov.uk/Ip-Desai:asp>

Filho, w.l Dealing with Misconceptions on the concept of sustainability, International of sustainability in Higher Education, vol,1. No, 1, 2000-2

Joa, o.s. and Maria, M.L, A; multivariate methodology to uncover Regional Disparities, Department, Portugal, 2001

Keith, Griffin; and John knight (1989). Human Development, Development planning no.19, BP.9-40

wals, A. and B. Jickly; Sustainability in Higher Education International journal of sustainability in Higher Education, vol.3 No.3. 2002

Archive of SID